

# انقلاب و دگرگونی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش ضروری است

پای صحبت **دکتر محمدرضا وطنی**، مدیر کل آموزش و پرورش استان گلستان

گفت‌وگو: نصرالله دادار

## اشاره

اگر چه یک دستش را در دوران دفاع مقدس از دست داده است، اما هیچ خللی در توان جسمی و روحی او ایجاد نشده است. او بسیار پرکار و خستگی‌ناپذیر است و در ششمین دهه زندگی‌اش، بسیار پرتوان‌تر، بانشاط‌تر و باانگیزه‌تر از افراد سالم کار می‌کند. وقتی ما به او در روزهای شلوغ و پرکارش در یازدهمین دوره جشنواره مهارت‌های هنری هنرستان‌های کاردانش سراسر کشور که در استان گلستان برگزار شده است، خسته نباشید می‌گوییم و تشکر می‌کنیم که بخشی از وقتش را در این روزهای سخت کاری در اختیار ما قرار داده است، با صراحت می‌گوید: «من خسته نیستم. دوست هم ندارم به من خسته نباشید بگویند. من مسئولیت پذیرفته‌ام و وظیفه دارم با همه توان در جهت مسئولیتی که پذیرفته‌ام، انجام وظیفه کنم. هیچ منتهی هم بر کسی به خاطر انجام وظایفم ندارم. من وظیفه‌ام را انجام می‌دهم و کار خاصی نمی‌کنم. هر کس مسئولیت پذیرفت، باید خوب کار کند و وظیفه‌اش را درست انجام دهد.»



**تعداد هنرجویان  
استان گلستان  
جمعاً ۱۴ هزار نفر  
است که ۳۷ درصد  
دانش آموزان دوره  
متوسطه دوم را  
شامل می شود**

**استقبال  
دانش آموزان  
از آموزش های  
فنی و حرفه ای و  
کار دانش در سال  
گذشته، کاهش  
یافت**

○ تا سال گذشته استقبال دانش آموزان مثبت و خوب بود. ولی از سال گذشته به دلیل همان اتفاقی که در انتخاب رشته و هدایت تحصیلی پیش آمد، استقبال دانش آموزان افت کرد. ما در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵، برای بالا بردن درصد هنرجویان هنرستان ها در استان چند کار اساسی کرده بودیم که نتیجه خوبی هم داشت:

یکی در حوزه خانواده، انجمن اولیا و مربیان را مأمور کردیم که برای خانواده ها در زمینه آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش از طریق مدرسه، صدا و سیما و ... اطلاع رسانی کنند.

همکاران ما در برنامه خانواده صدا و سیما حضور پیدا می کردند و از این ظرفیت برای تغییر نگرش خانواده ها بهره می بردند. دیگر اینکه خود خانواده ها در برنامه صبح گاه حاضر می شدند و شغلشان را توضیح می دادند تا بچه ها با آن مشاغل نیز آشنا شوند.

دوم، مشاوران می کوشیدند نگرش دانش آموزان را تغییر دهند. مشاوران در هدایت تحصیلی دانش آموزان، با بردن آن ها به کارخانه ها، کارگاه ها و بازار، سعی می کردند دانش آموزان را با مشاغل گوناگون آشنا کنند.

نام این طرح را «طرح برداشت دیوار مدرسه» گذاشته بودیم که در آن، هم افراد از بیرون به مدرسه می آیند و مشاغل خود را به بچه ها معرفی می کنند، و هم بچه ها از مدرسه خارج می شوند و به کارگاه ها، کارخانه ها و بازار می روند تا با مشاغل به طور مستقیم آشنا شوند.

سوم، سرگروه های آموزشی تلاش می کردند، دیدگاه معلمان را نسبت به فرایند تعلیم و تربیت تغییر بدهند. بعد از آن معلم ها می کوشیدند نگرش دانش آموزان را عوض کنند.

همان طور که می دانید، نظر معلم هم در هدایت تحصیلی منظور می شود.

● شما به عنوان کسی که سال های زیادی در آموزش و پرورش تجربه کسب کرده اید، در مجموع وضعیت آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش را در ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

○ در حال حاضر وضعیت آموزش فنی و حرفه ای و کار دانش را نسبت به گذشته نه چندان دور، نامناسب تر پیش بینی می کنم. زیرا زمانی برای ورود به هنرستان ها، آزمون داشتیم و هنرجویان در

دکتر **محمد رضا وطنی**، مدیر کل آموزش و پرورش استان گلستان در سال ۱۳۳۹ در شهرستان «علی آباد کتول» استان گلستان متولد شده است.

وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از اخذ مدرک دیپلم، به فرمان امام (ره) برای عمران و آبادانی روستاها، وارد جهاد سازندگی می شود. سپس به خدمت سربازی می رود و در عملیات شکست حصر آبادان، در دی ماه ۱۳۵۹، در نزدیکی های منطقه دارخوین مجروح می شود و دست چپ خود را از دست می دهد.

او در سال ۱۳۶۰ به استخدام آموزش و پرورش در می آید. هم زمان با کار در آموزش و پرورش، ادامه تحصیل می دهد و مدرک لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته مدیریت اخذ می کند. سپس در دوره دکترا در رشته کارآفرینی ادامه تحصیل می دهد.

**دکتر وطنی** از سال ۱۳۶۰ تاکنون در پست های گوناگون در آموزش و پرورش انجام وظیفه کرده و از سال ۱۳۹۲ تاکنون، مدیر کل آموزش و پرورش گلستان است.

● **آقای وطنی! خوشحال می شویم که ابتدا گزارشی از وضعیت آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش و هنرستان های استان گلستان ارائه بفرمایید.**

○ ما در استان گلستان، ۲۹ هنرستان فنی و حرفه ای مستقل و ۸ هنرستان ضمیمه داریم. همچنین ۵۳ هنرستان کار دانش مستقل و ۸ هنرستان ضمیمه داریم.

هنرستان های فنی و حرفه ای ما دارای ۲۸ رشته تحصیلی و هنرستان های کار دانش ما دارای ۸۸ رشته تحصیلی هستند.

تعداد هنرجویان ما در استان جمعاً ۱۴ هزار نفر است که ۳۷ درصد دانش آموزان متوسطه دوم را تشکیل می دهد. البته این رقم در سال گذشته، ۴۴ درصد بود که به دلیل همان اتفاقی که در انتخاب رشته و هدایت تحصیلی پیش آمد و دانش آموزان زیادی به رشته تجربی رفتند، کاهش یافت. ما پیش بینی کرده بودیم که این رقم را در سال آینده به ۴۷ درصد برسانیم، ولی متأسفانه ممکن نیست.

● **استقبال دانش آموزان از رشته های فنی و حرفه ای و کار دانش در استان گلستان چگونه است؟**

## ما انجمن اولیا و مربیان را مأمور کردیم که برای خانواده‌ها در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش از طریق مدرسه، صدا و سیما و غیره اطلاع‌رسانی کنند که نتیجه خوبی داشت

صورت قبولی در آزمون وارد هنرستان می‌شدند. ولی متأسفانه، امروزه نگرش خانواده‌ها نسبت به هنرستان تغییر کرده است. به نظر می‌رسد دانش‌آموزی را که قصد می‌کند وارد هنرستان شود، به‌عنوان فردی با فعالیت کم در جامعه می‌شناسند و ارزش در خور توجهی برایش قائل نمی‌شوند. هنوز این تفکر در جامعه و خانواده‌ها حاکم است که هر کس به رشته تجربی می‌رود، حتماً دانش‌آموز زرنگ و فعالی است. در حالی که امروزه آموزش و پرورش به کمک سایر ارگان‌ها و دستگاه‌ها می‌تواند، مشکل بی‌کاری را مدیریت کند. یعنی حل این مشکل می‌تواند توسط آموزش و پرورش صورت بگیرد. در غیر این صورت ما موفق نخواهیم شد.

ما باید نگرش مسئولان، خانواده‌ها و آموزش و پرورش را نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تغییر بدهیم. چرا آموزش و پرورش اعلام می‌کند، اگر دانش‌آموزی برای سایر رشته‌ها نمره کافی کسب نکرد، او را به کار دانش بفرستید؟! حتماً باید نگرش خود آموزش و پرورش را نیز تغییر داد.

همین نوع نگاه و نگرش آموزش و پرورش به شخصیت دانش‌آموز کار دانش صدمه می‌زند. چون آموزش و پرورش دستگاه گسترده‌ای است. بنابراین نیاز است که همه ارگان‌ها به آن کمک کنند.

ما در استان گلستان برای هدایت تحصیلی با رویکرد متناسب کردن اشتغال با آموزش، چندین جلسه در شورای آموزش و پرورش برگزار کرده‌ایم. یک جلسه آن بحث فرهنگی بود که در آن در صدد چاره‌جویی برای گسترش فرهنگ کار در جامعه و تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به فرهنگ برآمدیم. در آخرین جلسه‌ای که تاکنون تشکیل شده است، به بررسی ایجاد تناسب بین مشاغل جامعه و آموزش برای هدایت تحصیلی پرداختیم.

در نهایت آقای استاندار، با توجه به آمایش استانی، دستور دادند که استان ما از کشاورزی صرف خارج شود و به سمت گردشگری، تجارت و صنعت سوق پیدا کند. برای اجرای این تصمیم از مدیر کل صنایع، مدیر کل کشاورزی، مدیر کل گردشگری و اصناف دعوت کردیم و قرار شد آن‌ها نیازهای شغلی جامعه استان گلستان را متناسب با آمایش استانی تنظیم و نتیجه را به آموزش و پرورش اعلام کنند. همچنین مشاغل مورد نیاز خود را به ما سفارش بدهند و ما دانش‌آموزان را برای آن مشاغل آموزش بدهیم. قرار نیست برای آموزش دانش‌آموزان طبق

سفارش‌های دریافتی، مدارس را به‌گونه خاص تجهیز کنیم. چون هر رشته فقط به مدت ۲ سال و یا حداکثر ۲ تا ۳ دوره قابل آموزش و تربیت نیروی انسانی لازم است و پس از آن مدت، جامعه مورد نظر از نیروی کافی برخوردار و اشباع خواهد شد.

برای مثال، اگر بخواهیم رشته صنایع چوب را در هنرستان آموزش بدهیم، به تجهیزات فراوان و گران‌قیمت نیاز خواهیم داشت و اگر بخواهیم تجهیزات را تهیه و در یک شهرستان مستقر کنیم، پس از گذشت و پایان دوره در شهرستان، اگر بتوانیم تجهیزات را به شهرستان دیگری منتقل کنیم، نمی‌توانیم هنرآموز را به شهرستان دیگری منتقل کنیم. بنابراین، تجهیز هنرستان‌ها برای آموزش و پرورش و نظام کار درستی نیست. بلکه ما باید به کمک سازمان فنی و حرفه‌ای کشور که مأموریت دارد کار آموزش فنی و حرفه‌ای را در کشور انجام دهد، آموزش‌های فنی لازم را در اختیار دانش‌آموزان قرار بدهیم.

در این صورت دیگر نیازی به خرید تجهیزات نیست و خرید خدمات را از طریق آن‌ها انجام می‌دهیم. در این صورت، آموزش و پرورش می‌تواند به آموزش مسائل اجتماعی، سیاسی و مذهبی دانش‌آموزان بپردازد و آموزش مسائل فنی را به سازمان فنی و حرفه‌ای بسپارد. یا اینکه خود دستگاه‌های سفارش‌دهنده نیروی کار در آموزش نیروهای مورد نیاز به کمک آموزش و پرورش بیایند. چون اگر ما هنرجوی کشاورزی تربیت کنیم، منافع آن نصیب سازمان کشاورزی می‌شود. یعنی با آموزش هنرجو، بهره‌وری سازمان کشاورزی افزایش پیدا خواهد کرد و کارایی فرد آموزش دیده نیز بالاتر خواهد بود. با یادگیری و آموزش نحوه صحیح قلمه زدن و مراحل کاشت، داشت و برداشت یک محصول، فی‌الواقع بهره‌وری سازمان کشاورزی افزایش پیدا می‌کند و میزان تولید بیشتر می‌شود. بنابراین سازمان کشاورزی باید احساس مسئولیت کند و هنرستان‌های کشاورزی ما را پشتیبانی کند. اداره کل صنایع باید رشته‌های فنی - صنعتی ما را پشتیبانی کند. چون خروجی‌های این رشته وارد آن بخش خواهند شد.

زمانی دانشکده‌ها به ما کمک می‌کردند تا کاردان و کارگر ماهر تربیت کنیم که سبب افزایش کارایی فارغ‌التحصیلان می‌شد و کیفیت کار بالا می‌رفت. در نتیجه بهره‌وری صنعت هم افزایش می‌یافت. چرا

اداره کل صنایع به این موضوع اهمیت نمی‌دهد؟  
اصولاً آموزش و پرورش ربطی به هدایت شغلی ندارد،  
زیرا ما نیاز جامعه را در ارتباط با مشاغل مورد نیازش  
نمی‌دانیم. بلکه متناسب با ظرفیت‌های موجود  
خودمان دانش‌آموزان را تربیت می‌کنیم. میزان  
تربیت فارغ‌التحصیلان ما متناسب با نیاز جامعه  
نیست.

مثلاً در یک شهرستان طی ۳۰ سال گذشته یک  
رشته تدریس شده است. اگر سالی ۳۰ نفر از آن  
رشته فارغ‌التحصیل شده باشند، در حال حاضر  
۹۰۰ نفر در آن رشته آموزش دیده‌اند. اما آیا آن  
شهرستان ظرفیت ۹۰۰ نفر فارغ‌التحصیل، فقط در  
یک رشته خاص را دارد؟ خیر. من فکر می‌کنم در  
بحث فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش، یک انقلاب و  
دگرگونی اساسی ضروری است و در این راه به کمک  
دستگاه‌های دیگر نیاز داریم.

ما نمی‌توانیم بدون کمک سایر دستگاه‌ها، تغییرات  
لازم را به‌وجود بیاوریم.

از هنرستان کشاورزی ما، هنرجویان بسیار زیادی  
فارغ‌التحصیل می‌شوند، در حالی که ۲۰ درصد آن‌ها  
هم به کار کشاورزی مشغول نمی‌شوند و اکثرشان  
به شهرستان‌های دیگر مهاجرت می‌کنند تا درآمد  
مناسبی کسب کنند؛ چون کشاورزی درآمدزا نیست.  
امروزه نمی‌توان گفت که زیرساخت روستا فقط آب،  
برق، گاز، جاده و بهداشت است.

با وجود آنکه روستاهای ما از تمام این مزایا  
بهرمند هستند، باز هم فارغ‌التحصیلان کشاورزی  
در روستاها نمی‌مانند؛ چون در روستاها درآمد پایدار  
ندارند. این همه فارغ‌التحصیل کشاورزی داشتیم،  
آیا واقعاً آن‌ها در تعاونی‌های روستایی فعال هستند  
یا خیر؟ به این نحو تمام آموزش‌های ما بی‌معنا و  
بی‌تأثیرند. آموزش هنرجویان فرایندی است که باید  
با آموزش از هنرستان شروع شود و به یک درآمد  
پایدار برسد.

اگر درآمد وجود نداشته باشد، روستایی  
فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی، هیچ‌گاه در روستا  
نمی‌ماند. با این اوصاف همه باید دست‌به‌دست هم  
بدهیم و در کل، مجموعه نظام و نه تنها دولت، برای  
حل این مشکلات چاره‌ای بیندیشیم.

بودجه‌ای که برای هنرستان‌ها در نظر می‌گیرند،  
بسیار اندک است و نمی‌توان با آن تجهیزات مورد  
نیاز را تهیه کرد. هنوز در هنرستان‌های ما برای  
رشته مکانیک، موتور پیکان، جیب و لندروور آموزشی

می‌دهند. در کل هنرستان‌های ما، شش عدد موتور  
خودروهای جدید وجود ندارد. در کل هنرستان‌های  
ما سیستم جدید برق خودرو برای تدریس به  
دانش‌آموزان وجود ندارد. هنوز باید خود هنرجو تمام  
وسایل مورد نیازش را به هنرستان بیاورد.  
این نحو آموزش معنی‌دار نیست. دچار نقصان است  
و سبب کندهی حرکت ما می‌شود.

### ● نظر شما درباره برون‌سپاری آموزش‌های کار دانش چیست؟

○ ماهیت برون‌سپاری خوب است. چون ما  
نمی‌توانیم تمام تجهیزات مورد نیاز رشته‌ها را به  
هنرستان‌ها بیاوریم. اما کیفیت در برون‌سپاری مهم  
است و باید به آن توجه خاص داشت. در برون‌سپاری،  
من سازمان فنی و حرفه‌ای را به سازمان‌های شخصی  
ترجیح می‌دهم.

چون قرار است امسال آموزش بدهد و یک سال  
بعد هزینه آن را دریافت کند. آیا بخش خصوصی  
چنین کاری را انجام می‌دهد؟ اگر بخش خصوصی  
بی‌کار باشد، این شرایط را قبول می‌کند، ولی اگر  
فعال باشد، این شرایط را نمی‌پذیرد.

چون ما نمی‌توانیم هزینه خدمات آن‌ها را نقداً  
پرداخت کنیم، مانند بیمه معلمان مجبوریم با  
شرکت‌های دست‌چندم قرارداد ببندیم و همین  
موضوع به کیفیت آموزش صدمه می‌رساند. درست  
است که در ظاهر دانش‌آموزان به دوره بالاتری  
می‌روند، اما در باطن مطلبی یاد نگرفته‌اند.

### ● آیا در حال حاضر آموزش‌های سازمان فنی و حرفه‌ای به روز و متناسب با نیاز بازار است؟

○ در ارتباط با همین موضوع در سال گذشته  
مدیران آموزش و پرورش شهرستان‌ها با مدیران  
ادارات فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها نشست داشتند، و  
از آن‌ها خواستیم بررسی‌های لازم را در خصوص این  
موضوع به عمل آورند و از طریق سازمان مدیریت  
تلاش کردیم، ادارات فنی و حرفه‌ای شهرستان‌ها را  
تقویت کنیم. از هنرستان‌ها هم خواستیم متناسب  
با نیازهای موجود رشته‌ها را آموزش بدهند و آن‌ها  
هم متناسب با نیاز جامعه در حال تغییر دادن  
رشته‌هایشان هستند.

متأسفانه فرمانداران شهرستان‌ها همکاری  
نمی‌کنند و دیدگاه ساده‌ای نسبت به این تغییرات

**مشاوران در  
هدایت تحصیلی  
دانش‌آموزان با بردن  
آن‌ها به کارخانه‌ها،  
کارگاه‌ها و بازار  
سعی می‌کردند،  
دانش‌آموزان را با  
مشاغل مختلف  
آشنا کنند که نام  
این طرح را «طرح  
برداشت دیوار  
مدرسه» گذاشتیم**

مبلغ را در اختیارشان گذاشتم تا خریدهایشان را انجام بدهند. مشتریان این کارگاه تولیدی چه کسانی هستند؟ دانش‌آموزان مدارس همان شهرستان و شهرستان‌های هم‌جوار آن.

ما می‌توانیم تغییرات مناسب را ایجاد کنیم و برای این کار، هم فضا و هم امکانات لازم را در اختیار داریم. اما اداره تعاون می‌گوید: چون معلم‌ها شاغل هستند، نمی‌توانند عضو تعاونی شوند و یا چون دانش‌آموز به سربازی نرفته است، نمی‌تواند عضو تعاونی شود. در اینجاست که من می‌گویم سایر دستگاه‌ها هم باید کمک کنند تا موانع موجود از میان برداشته شود.

ما مجبوریم از یک همکار بازنشسته خواهش کنیم، عضو هیئت مدیره تعاونی شود و به دنبال دریافت وام برود. همکار می‌گوید اگر وام بگیرم و هنرستان نتواند پاسخ‌گوی پرداخت وام باشد، زیر سؤال خواهیم رفت. بنابراین از قبول مسئولیت سرباز می‌زند. این موارد موانع موجود بر سر راهمان هستند.

اگر بتوانیم در هنرستان‌ها تعاونی داشته باشیم، آموزش و پرورش برای تمام رشته‌ها می‌تواند مشتری مورد نیاز را تأمین کند. با به‌کارگیری هنرجویان در کارگاه‌های گوناگون تعاونی در هنرستان‌ها، می‌توان شهر را متحول کرد. در «سند تحول» آمده است: مدرسه محور تحول محله است. برای رسیدن به این گفتار سند تحول می‌باید موانع موجود برداشته و فرهنگ جامعه اصلاح شود و با توجه به نیاز جامعه، خدمات لازم ارائه شود. به جای نوشتن دوغ بنوشیم و به جای فست‌فود از غذاهای سنتی و مقوی استفاده کنیم.



دارند. در مقابل تغییرات ایستادگی می‌کنند و اجازه نمی‌دهند، رشته‌ها به همراه تجهیزاتشان از آن شهرستان خارج شوند. هر چه می‌گوییم شما به این رشته و تجهیزات نیاز ندارید، قبول نمی‌کنند. به همین دلیل می‌گوییم که ما به همکاری همه دستگاه‌ها نیازمند هستیم. برای مثال، ما در بندر گز سالیان سال است که رشته جوشکاری داریم و دیگر در آن شهر به این رشته نیازی نیست. پس امکاناتش باید به شهری مثل کردکوی منتقل شود. اما فرماندار بندر گز مخالفت می‌کند و می‌گوید: «اجازه نمی‌دهم منابع شهرستان خارج شود و به شهرستان دیگری سپرده شود.»

در اینجا مشکل فقدان نگرش سیستمی وجود دارد و آموزش و پرورش به تنهایی قادر نیست، نگرش دستگاه‌ها را تغییر دهد.

در حال حاضر الحمدلله، سازمان فنی و حرفه‌ای و سازمان کشاورزی کاملاً با ما هماهنگ هستند. برای آنکه ما هم با سازمان فنی و حرفه‌ای به این سطح مطلوب برسیم، حداقل ۸-۷ جلسه مشترک داشتیم و برای رسیدن به نتیجه نهایی به شورای آموزش و پرورش رفتیم تا استاندار حرف آخر را بیان کند و مشکلات بین ما را حل کند.

ما از هنرستان‌ها تقاضا کردیم در گوشه‌ای از مکان خود شرکت تعاونی تشکیل بدهند تا هنرجویان بتوانند کار کنند و مشتری آن‌ها آموزش و پرورش باشد.

هفته گذشته، معاون برنامه‌ریزی اقتصادی استاندار را به روستایی بردیم که حدود ۲۷۰ کارگاه مبل‌سازی دارد. بچه‌های این روستا در تهران کار مبل‌سازی را یاد گرفته و به روستایشان بازگشته‌اند و کار را در روستا گسترش داده‌اند. ما به شرکت تعاونی آن روستا گفتیم، اختیار دارد که یا یک هنرستان غیردولتی راه‌اندازی کند و اداره‌اش را بر عهده بگیرد، یا اینکه از فعالانشان ثبت نام کنیم و خدمات آن‌ها را خریداری کنیم. به آن‌ها گفتم می‌توانم در حال حاضر بابت مبل‌مان دفتری ۲۶۰۰ مدرسه موجود، ۲۶۰۰ دست مبل سفارش بدهم تا آن‌ها با خیال راحت به کارشان مشغول شوند.

با معاون استاندار برای بازدید از یک کارگاه خیاطی رفتیم که ظرفیت تولید آن هفت هزار دست روپوش بود. پرسیدم: مشکلاتان چیست؟ گفتند: به چرخ و لوزام احتیاج داریم. پرسیدم: هزینه‌هایتان چقدر است؟ گفتند: ده میلیون تومان. برای تشویقشان

**ما باید نگرش مسئولان، خانواده‌ها و آموزش و پرورش را نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تغییر دهیم**

۳۲۰ هزار دانش آموز داریم. اگر هر کدامشان ۱۰۰۰ تومان خرج کنند، ۳۲۰ میلیون گردش مالی می شود. چرا خود آموزش و پرورش از این فرصت استفاده نکند؟ ما می توانیم از هنرجویانی که اقتصاد و تجارت خوانده اند، استفاده کنیم و فرصت استفاده از این گردش مالی را در اختیارشان بگذاریم. تغذیه مدارس را به آن ها بسپاریم و برای انجامش در مدرسه تعاونی تشکیل بدهیم. ما باید در مدارس تعاونی تشکیل بدهیم و انجام کارها را به تعاونی بسپاریم. گرداندن بوفه مدرسه بهترین فرصت برای کار تعاونی در مدارس است. می توان در اساس نامه تعاونی درصد مشخصی را برای مدیر مدرسه در نظر گرفت تا از آن برای پشتیبانی و حمایت مدرسه استفاده کند. اگر ۳۰ درصد سود را اعضا بردارند و ۲۰ درصد دیگرش را هم به مسئولان امور خدماتی مدرسه بسپارند تا کارهای داخلی مدرسه را انجام بدهد، باز به نفع دانش آموزان و اعضا خواهد بود. درصدها مثال و برای نمونه ذکر شده اند.

ما می توانیم کارهای مربوط به رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش را گسترش بدهیم و مشتری تمام این خدمات ارائه شده خود آموزش و پرورش باشد، ولی متأسفانه موانع متعددی بر سر راهمان قرار دارد.

ما می خواستیم برای هنرستان کشاورزی وام بگیریم. به سازمان کشاورزی مراجعه کردیم. مشکلی برای پرداخت مبلغ مورد درخواست نداشتند، ولی گفتند: چون بخش دولتی هستید، نمی توانیم به شما وام بدهیم. لذا برای دریافت وام تعاونی تشکیل دادیم. اما مدیر مدرسه که عضو تعاونی هم بود، گفت فرض کنید من یک میلیارد وام هم گرفتم، فردا وقتی مدیر این مدرسه نبودم و هنرستان در بازپرداخت دچار مشکل شد، من گرفتار خواهم شد. چون طرف حسابشان من مدیر هستم و نه دولت. چرا باید چنین ریسکی را بپذیرم؟

خدا را شکر، امسال نامه ای به نماینده ما که عضو کمیسیون کشاورزی هم هست، نوشتم و تقاضا کردم که بانک ها به دولت هم وام بدهند تا مشکل هنرستان ها حل شود. خدا را شاکرم که امسال در بودجه ۹۶ به تصویب رسید و قرار شد ۲۰۰ میلیارد به آموزش و پرورش برای تجهیز هنرستان ها وام بدهند. الحمدلله این مصوبه، اگر تعاونی هم اهل ریسک نبود و نمی توانست وام بگیرد، حالا هنرستان می تواند وام بگیرد.

● از سوی مقام معظم رهبری، شعار اصلی امسال کشور، اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال اعلام شده است و همه به این نتیجه رسیده اند که مسئله اصلی کشور بی کاری و معیشت مردم است. به نظر شما، توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش چقدر می تواند به حل این مسائل کمک کند؟

○ ما می توانیم حل این مسائل را مدیریت کنیم، ولی به تنهایی نمی توانیم این مسائل را حل کنیم و به کمک دستگاه های دیگر نیاز داریم. ما هنوز از صنایع برای رفع موانع استفاده نکرده ایم. از آن ها کمک خواسته ایم و به مواردی که می توانند کمک کنند، اشاره کرده ایم، اما پاسخ نشنیده ایم. وقتی وزارت صنایع می خواهد مجوز احداث کارخانه بدهد، می تواند شرط بگذارد که کارگرانش را از فارغ التحصیلان هنرستان انتخاب کند. چون درستش آن است که کارگر آموزش دیده هنرستان را به کار بگیرد تا کیفیت کار افزایش پیدا کند و تولید به درستی انجام شود.

اگر تمام این اتفاقات به هم پیوسته به درستی واقع شوند، ما می توانیم هم مشکل بی کاری را حل کنیم و هم درآمد خانواده ها را افزایش دهیم. با این اتفاق بهره وری و میزان تولید هم بالا می رود و بر کیفیت فرایند تولید هم تأثیرات مثبتی می گذارد. ولی با امکانات و تجهیزات فعلی هنرستان های ما که مربوط به ۴۰ سال پیش است، فارغ التحصیلان در محیط واقعی و به روز کاری نمی دانند چه باید بکنند. چون هیچ گاه تجهیزات به روز و مدرن را در هنرستان ندیده اند. اگر بخواهیم همچنان با همان فرایند قبل و تجهیزات قبلی هنرجویان را آموزش بدهیم، جز اتلاف وقت و هزینه دانش آموزان و دولت، هیچ کاری انجام نداده ایم.

در حقیقت با همین روال فعلی هم ما هشت برابر یک دانش آموز دبیرستانی برای هنرجویان هزینه می کنیم، ولی یک هشتم سود آن را هم دریافت نمی کنیم و فقط منابع اتلاف می شود.

سیستم آبیاری قدیمی آموزش داده می شود. سیستم کاشت، داشت و برداشت، طبق گذشته است و به روز نیست. آموزش های هنرستان های ما با علم روز انطباق ندارند. بنابراین هنرجو بعد از فارغ التحصیلی نمی تواند در جامعه به صورت مؤثر و کارآمد کار کند.

در حال حاضر کشاورزی از محوریت آموزش خارج شده است و در کنارش بخش های دیگری هم آموزش

**چرا آموزش و پرورش اعلام می کند، اگر دانش آموزی برای سایر رشته ها نمره کافی کسب نکند، او را به کاردانش بفرستید؟ این نگرش به شخصیت دانش آموزان کاردانش صدمه می زند**

**ما در استان گلستان، برای هدایت تحصیلی بارویکرد متناسب کردن اشتغال با آموزش، چندین جلسه در شورای آموزش و پرورش برگزار کردیم**

## آقای استاندار با توجه به آمایش استانی دستور داده‌اند که استان گلستان از کشاورزی صرف خارج شود و به سمت گردشگری، تجارت و صنعت سوق پیدا کند

داده می‌شوند. در حال حاضر روی گردشگری فعالیت می‌کنیم. جاده بین‌الملل استان ما که در جنوبش جنگل واقع شده، بسیار مناسب گردشگری است. ولی بعد از ۱۵ کیلومتر در شمال گرگان به «آق قلا» می‌رسید که بعد از آن کویر است. دو سوم استان ما خشک است. متأسفانه میزان ذخیره آبی استان گلستان از میانگین ذخیره آبی کشور پایین‌تر است. چون اگر ۲۰ سال پیش بعد از ۴۰ متر به آب می‌رسیدیم، امروزه بعد از ۲۴۰ متر به آب می‌رسیم. برای شالی کاری از آب چاه استفاده می‌شود.

تمام این مسائل به هم پیوسته‌اند. کشاورز می‌گوید برای یک چاه آب به عمق ۲۴۰ متر باید دو بیست میلیون تومان هزینه کنیم، پس بهتر است کار کشاورزی را کنار بگذارم و به دنبال کار دیگری با سودآوری بالا بروم. برنامه‌ای در تلویزیون شرایط کشاورزان را نشان می‌داد و گوسفندان در حال خوردن محصولاتشان بودند؛ محصولاتی که کشور به آن‌ها نیازمند است. محصولاتی که ۱۰ تا ۲۰ برابر گران‌تر از بیرون خریداری می‌کنیم؛ چون واسطه از این کار بهره‌مند می‌شود و سود می‌برد.

کشاورزان محصولاتشان را با کمترین و نازل‌ترین قیمت در مزارعشان می‌فروشد و چندین برابر آن قیمت به دست مصرف‌کننده می‌رسد. چرا تعاونی روستایی انجام این امور را برعهده نمی‌گیرد؟ کشاورز حق دارد که از کشاورزی دلزده شود و به شهر مهاجرت کند و حاشیه‌نشین شود. یعنی فی‌الواقع تمام آموزش‌های ما و فارغ‌التحصیلان کشاورزی ما به هیچ تبدیل می‌شوند.

### • امسال شما میزبان یازدهمین دوره جشنواره مهارت‌های هنری هنرستان‌های کار دانش بودید. آیا این جشنواره‌ها تأثیری بر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش دارد؟

○ جشنواره برای دانش‌آموزان عاملی تشویقی است، به شرط اینکه وقتی به موفقیت رسیدند، از آن‌ها حمایت کنیم و رهایشان نکنیم.

امکانات لازم را در اختیار نخبگان المپیادها و کنکورها قرار بدهیم تا سبب فرارشان نشویم و دیگران آن‌ها را جذب نکنند. جشنواره برای بچه‌ها حالت تشویقی دارد و برای استان‌ها امکان آشنایی با رشته‌های دیگر را فراهم می‌کند.

ما رشته طلا و جواهر را در استان گلستان نداریم، ولی همین جشنواره سبب آشنایی ما با این رشته

جدید و تشویق ما برای جلب استادکار و آموزش این رشته در هنرستان‌هایمان شده است. جشنواره به استان‌ها کمک می‌کند، نیازهایشان را از طریق تعامل با سایر استان‌ها برطرف کنند؛ اعم از اعزام نیرو برای آموزش گرفتن یا دریافت نیرو برای آموزش دادن. حضور مسئولان در جشنواره و آشنایی آن‌ها با فعالیت هنرجویان زمینه‌های مناسبی را برای توسعه رشته‌ها در استان‌ها فراهم می‌آورد.

جشنواره سبب ایجاد ارتباطات جدید و رد و بدل شدن اطلاعات می‌شود. کسب اطلاعات جدید به تصمیم‌گیری بهتر در استان کمک می‌کند. من امیدوارم با کمک دستگاه‌ها و تقویت فنی و حرفه‌ای و کار دانش به اهداف پیش‌بینی شده در برنامه پنج‌بررسیم. از خانواده‌های محترم و مسئولان تقاضا دارم، در پیشبرد اهداف به ما کمک کنند. قرار بود طبق برنامه پیش‌بینی شده در برنامه پنج، ۵۰ درصد دانش‌آموزان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش تحصیل کنند، ولی در سال گذشته و امسال، درهای علوم تجربی را باز کردیم.

البته تمام تصمیم‌گیری‌ها بابت انتخاب رشته در کشورمان براساس احساسات زمانی صورت می‌گیرد. اگر خاطرتان باشد، بعد از انقلاب رشته علوم انسانی رشد داشت. در دولت سازندگی رشته ریاضی و فیزیک متقاضیان بیشتری داشت. در حال حاضر چون بهداشت بسیار مطرح می‌شود، رشته علوم تجربی از علاقه‌مندی بیشتری برخوردار است.

وقتی خانواده می‌بیند تحصیل کرده رشته پزشکی عمومی‌اش در روستا از حقوق ماهانه هشت میلیون تومانی برخوردار است، ولی فرزند فارغ‌التحصیل ریاضی و فیزیک‌اش حقوق دو میلیون تومانی دریافت می‌کند، قطعاً فرزند خود را به تحصیل در رشته تجربی تشویق می‌کند. با اینکه هر دو در ارگان دولتی استخدام شده‌اند، ولی یکی در استخدام وزارت بهداشت است و دیگری در استخدام وزارت راه و ترابری.

ما یک مجموعه و سیستم متصل به هم هستیم و باید تمام بخش‌ها با هم کمک کنیم و به سمت تغییرات حرکت کنیم. بکوشیم نگرشمان سیستمی باشد، همه اعضا دیده شوند و مصداق این شعر **سعدی** باشیم که می‌گوید:

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

چون آموزش و پرورش عضو بی‌قرار و دردمند است

و به کمک احتیاج دارد و عملاً سایر دستگاه‌ها بی‌قرار نیستند. هر چند ممکن است دغدغه‌ای برای رفع این مطلب داشته باشند، ولی باز خورد مناسبی از جانب آن‌ها دیده نمی‌شود.

دو سال است، مجلس برای جذب منابع انسانی قانون پیش‌دبستانی را وضع می‌کند. آیا واقعاً یک مربی پیش‌دبستانی که تجربه پیش‌دبستانی دارد، می‌تواند در دبستان و دبیرستان کمک کند و مؤثر واقع شود. کسی که برای آموزش دادن در دبستان و دبیرستان تربیت نشده و آموزش‌های لازم را ندیده است، چگونه می‌تواند دانش‌آموزان را تربیت کند. آیا آموزش مربیان پیش‌دبستانی برای آموزش و پرورش هزینه‌بر نیست؟ آموزش و پرورش باید چندین برابر برای آموزش این دسته از افراد هزینه کند. آیا نگهداری این گروه برای آموزش و پرورش سخت نیست؟ آیا کاربردش به درستی انجام می‌شود؟

۶۲ درصد معلمان ما در استان گلستان، رشته تحصیلی‌شان با ابتدایی مرتبط نیست. فوق لیسانس معماری است، اما به استخدام آموزش ابتدایی درآمده است. چه انتظاری دارید از بچه‌هایی که زیر نظر این معلم‌ها قرار می‌گیرند؟ همان‌گونه که در خود آموزش و پرورش سیستم جذب نیروی انسانی کارآمد و حرفه‌ای وجود ندارد، در محیط هم همین‌گونه است. باید تغییرات در کل سیستم صورت بگیرد.

اگر دست به دست هم بدهیم و با یکدیگر همکاری کنیم و نگرش سیستمی داشته باشیم، می‌توانیم در ۲۰-۱۰ سال آینده مانند سایر کشورها، خودمان تولید داشته باشیم؛ مانند کشور چین و سایر کشورهای موفق. نگاه فعلی به آموزش و پرورش نگاه خوبی نیست. ما به معلمی که درصد قبولی بالایی دارد، جایزه می‌دهیم و او را تشویق می‌کنیم، ولی اصلاً رفتار بچه‌ها مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. با وجود اینکه دانش‌آموزان در درس‌های تعلیمات دینی و اجتماعی نمرات خوبی دارند، اما در سطح جامعه مشکلات دینی و اجتماعی زیادی وجود دارند. دلیلش چیست؟ این است که در آموزش و پرورش به رفتار دانش‌آموزان کاری نداریم، بلکه فقط دانش‌آموزانی را مورد تشویق قرار می‌دهیم که نمرات بالاتری دارند. فعلاً رفتار منطبق با دانش نیست.

این موضوع باید درون آموزش و پرورش تغییر کند. چون همین نگرش تشویق نمره بالا از آموزش و پرورش به خانواده‌ها و سپس به کل جامعه سرایت می‌کند و بعد خانواده را به خاطر داشتن

چنین نگرشی سرزنش می‌کنیم. در حالی که این نگرش را خودمان به وجود آورده‌ایم و باید آن را در آموزش و پرورش تغییر دهیم. وقتی معلمی را به دلیل درصد قبولی پایین توبیخ می‌کنیم و اصلاً به تغییر رفتار دانش‌آموزان او توجه نمی‌کنیم، آسیب‌های اجتماعی در جامعه زیاد می‌شود.

ما در آموزش و پرورش اصلاً به رفتار افراد توجه نمی‌کنیم و فقط اندوخته علمی را ملاک قرار می‌دهیم. در واقع آزمون‌های ما فقط از اندوخته‌های علمی دانش‌آموزان را می‌سنجند صورت می‌گیرد و به مسائل معرفتی آن‌ها کاری نداریم. دانش‌آموزان پنج‌شنبه‌ها تعطیل هستند. می‌توانیم در دوره ابتدایی پنج‌شنبه‌بازار راه بیندازیم و تولیدات و کارهای دستی بچه‌ها را خریداری کنیم. بچه‌ها می‌توانند در ساعات هنر کارهای دستی متنوعی درست کنند و آن را در پنج‌شنبه بازارهای مدرسه بفروشند. قیمت مهم نیست، مهم این است که فقط بچه‌ها اعتمادبه‌نفس پیدا کنند و وارد بازار کسب و کار اقتصادی شوند و آن‌ها را با بازار و کسب سود و خرید و فروش آشنا کنیم.

ما و خانواده‌ها بچه‌ها را تحت فشارهای زائد قرار می‌دهیم و از شکوفا شدن استعدادهایشان جلوگیری می‌کنیم و حاصل کار ما بچه‌های افسرده‌ای هستند که کارایی مناسبی هم در آینده نخواهند داشت. برنامه تیزهوشان چیست که دانش‌آموزان آن برای کاهش فشار و استرس قرص می‌خورند. تمام بچه‌ها را وادار می‌کنیم که پزشک یا مهندس شوند و آن‌ها را برخلاف استعدادهایشان تحت فشار قرار می‌دهیم. در یک شهرستان به ما می‌گویند برای مدارس تیزهوشان ثبت‌نام کنید و آن را حذف نکنید.

از بین ۱۲۰ نفر شرکت‌کننده در امتحان ورودی تیزهوشان، ما ۶۰ نفر را می‌پذیریم و آموزش می‌دهیم. مگر می‌شود ۵۰ درصد شرکت‌کننده‌ها تیزهوش باشند؟ به اسم تیزهوشان وارد می‌شوند، ولی واقعیت این است که حداکثر دو درصدشان تیزهوش هستند. ۵۰ درصد این دانش‌آموزان تحت فشار قرار می‌گیرند که برخلاف توانشان فعالیت کنند. این شرایط روان بچه‌ها را می‌آزارد و میزان افسردگی آن‌ها را بالا می‌برد.

● آقای وطنی! از اینکه لطف فرمودید و وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، متشکریم.  
○ موفق باشید.

**آموزش و پرورش در  
زمینه آموزش‌های  
فنی و حرفه‌ای و  
کار دانش به یک  
انقلاب و دگرگونی  
نیاز دارد و در این راه  
کمک دستگاه‌های  
دیگر ضروری است**

**بودجه‌ای که برای  
هنرستان‌ها در  
نظر می‌گیرند،  
بسیار اندک است  
و نمی‌توان با آن  
تجهیزات مورد نیاز  
را تهیه کرد. هنوز  
در هنرستان‌های ما  
موتور پیکان، جیب  
و لندرور را آموزش  
می‌دهند**